

حقیقتاً مشارکت در سود باشد چون غالباً در شرائط توژمی به دلیل قراردادهای مربوط به دستمزد کارگران و سایر هزینه‌های مربوط به ماشین‌آلات هزینه‌ها کمتر از درآمدها افزایش می‌یابد بنابراین سود در چنین شرائطی بالا می‌رود اگر همین سود به نسبت حجم سپرده‌ها و زمان سپرده‌گذاری بین سپرده‌گذاران تقسیم می‌شد آیا تمام اشکالات فوق منتفی نبودند؟ آیا اگر غیر از این است جای نگرانی نیست؟

۴- از آنجا که طبق قانون و بر اساس تحلیل‌های انجام شده در مقالات این نویسنده فاصله زمانی بین عرضه سرمایه (در بانکداری اسلامی) و تولید و اشتغال به حداقل ممکن می‌رسد آیا می‌توان ادعا کرد که به اندازه حاصل جمع تسهیلات اعطائی در مشارکتهای حقوقی - مشارکتهای مدنی - اجاره‌های به شرط تملیک و فروش‌های اقساطی سرمایه‌گذاری در کشورمان انجام شده است؟ این موضوع خود بحث مفصلی را می‌طلبد که از حوصله این مقاله خارج است. امید این است که در حقیقت چنین اتفاقی در کشورمان افتاده باشد ولی اگر نظارت و کنترل دقیقی در نحوه استفاده از تسهیلات اعطائی اعمال نشده باشد و تسهیلات مورد بحث صرف امور دیگر (غیرتولیدی) شده باشد باید نسبت به اینکه بانکها عرضه کننده سرمایه بوده‌اند و در عقود تنظیم شده شریک بوده‌اند تردید داشت و به این نتیجه رسید که بانکها به اعطای وام پرداخته‌اند زیرا همانطور که قبلاً ذکر شد به موجب مبانی فقهی وام در تملیک وام‌گیرنده قرار می‌گیرد و وام دهنده حق نظارت و پرسش در نحوه استفاده از آن را ندارد.

جدول شماره ۳

نرخ تورم	ضریب پایه پولی *	ضریب پایه پولی *	پایه پولی	سال
M_1	m_1	M_2	m_2	
(میلیارد ریال)		(میلیارد ریال)	(میلیارد ریال)	
۴۵۵۷/۶	۱/۰۷	۳۴۰۹/۳	۰/۸	۱۳۶۳
۴۹۲۳/۶	۱/	۴۰۷۸/۵	۰/۸۳	۱۳۶۴
۵۸۱۱/۰	۰/۹۶	۴۹۱۱/۶	۰/۸۱	۱۳۶۵
۶۷۷۶/۸	۰/۹۰	۵۸۹۱/۴	۰/۷۸	۱۳۶۶
۷۷۵۸/۰	۰/۸۱	۷۹۲۹/۵	۰/۸۳	۱۳۶۷
۸۹۸۷/۲	۰/۸۷	۹۷۶۶/۱	۰/۹۵	۱۳۶۸
۱۱۱۹۵/۲	۱/۰۵	۱۱۷۷۴/۳	۱/۱	۱۳۶۹
۱۳۶۴۰/۸	۱/۱۱	۱۴۹۸۷/۶	۱/۲۲	۱۳۷۰
۱۶۳۶۸/۶	۱/۱۳	۱۹۴۹۷/۴	۱/۳۵	۱۳۷۱
۲۲۴۱۲/۷	۱/۲۴	۲۵۷۲۲/۳	۱/۴۳	۱۳۷۲
۳۰۴۳۱/۸	۱/۲۷	۳۱۴۱۲/۱	۱/۳	۱۳۷۳

توجه: به موجب امار منتشره توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران شاخص هزینه زندگی (خرده فروشی) در تهران برای سه ماهه اول سال ۱۳۷۴ در مقایسه با ماههای مشابه سال قبل ۵/۵۵٪ افزایش نشان میدهد.

* محاسبه شده توسط نویسنده مقاله

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۵- آخرین موضوعی که در این قانون مطرح شده است آن است که چون قانون عملیات بانکی بدون ربا و آئین‌نامه‌های مربوطه بر اساس دستورات اسلامی تدوین شده است برخلاف نظام بانکی ربوی که در آن وثیقه مادی افراد حقیقی و یا حقوقی مبنای میزان و سرعت در دریافت وام، از بانکها می‌باشد در قانون مذکور اصالت به فرد متقاضی داده شده است و برای امضاء او اهمیتی در حد وثائق گرانبها قائل شده است زیرا اسناد کلیه عقود ۱۱ مندرج در قانون جزو اسناد لازم‌الاجرا می‌باشند و به این علت نیازی به گرفتن وثیقه نیست. گذشته از این موضوع چون مشارکت اصل و پایه بانکداری بدون ربا (که در اینجا با بانکداری اسلامی به طور مترادف استفاده می‌شود) می‌باشد و بانک به صورت شریک عمل می‌کند خود سهم‌الشرکه وثیقه مطمئن تلقی می‌شود حال سؤال این است که آیا بانکها به اخذ وثائق مادی (مانند منزل - ویلا - سهام و...) پرداخته‌اند؟ اگر جواب مثبت است دلیل آن چیست؟ آیا جواب غیر از این است که بانکها در حقیقت زیر پوشش عقود اسلامی وام پرداخته‌اند و برای تضمین بازپرداخت اصل و بهره آن به اخذ وثیقه پرداخته‌اند؟ و آیا حداقل سود مورد انتظار هر یک از عقود نرخ بهره طبقه‌بندی شده برحسب نوع عقود شرعی محسوب نمی‌شود؟

نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

آنچه که در این مقاله آمد تشخیص و ارزیابی زیربنای نظری عملکرد بانکداری بدون ربا در کشورمان بود. همانطور که می‌دانیم چون در قانون عملیات بانکی بدون ربا بر اساس نوشته‌های اقتصاددانان اهل تسنن فقط از عقد مضاربه استفاده نشده است بنابراین این مقالات پایه نظری این قانون را تشکیل نمی‌دهد ولی از آنجاکه در غالب مقالات مورد بررسی در این مقاله اولاً سپرده قانونی را تجویز نموده‌اند و در کشور ما سپرده‌های قانونی انواع سپرده‌ها وجود دارد بنابراین این قسمت از عملیات بانکی با نظر این اقتصاددانان تطبیق دارد. ثانیاً در این مقالات از بازار پولی بحث شده و می‌دانیم که با حذف بهره بطور طبیعی و واضح بازار پولی حذف خواهد شد. نرخهای تورم بالای ۵۰٪ در کشورمان و نیز حداقل و حداکثر نرخ سود مورد انتظار از وجود چنین بازاری در نظام بانکی کشورمان حکایت می‌کند زیرا علت عمده تورم وجود بازار پولی و بانکداری ربوی است. از اینکه در قانون انواع عقود شرعی ذکر شده است و از جمله مزایای فوق‌العاده این قانون محسوب می‌شود و بدون تردید نمی‌تواند ضعف آن تلقی شود بلکه به غنای قانون اضافه کرده است می‌تواند مورد تأیید متخصصینی باشد که اعتقاد دارند بانکداری اسلامی واسطه و جوه نیست بلکه عرضه‌کننده سرمایه است. از اینکه در عمل قانونگذار از امکانات نظام بانکی در کشورمان استفاده کرده و برخی از هزینه‌های دولت (در تبصره‌های بودجه کل کشور) با استفاده از سپرده‌های مردم تأمین مالی می‌شوند همان چیزی است که جزو امتیازات این قانون است (به مقاله اردیبهشت ۱۳۷۳ اینجانب

مراجعه نمائید) و بانک در خدمت مصالح و منافع جامعه قرار گرفته است.^{۱۲} این درست است که باید از این منابع به بهترین وجه استفاده شود. قانونگذار نگفته است که این منابع باید حیف و میل شوند؟ بانک یکی از سازمانهای در خدمت مردم مسلمان کشورمان است و باید به عنوان امین و شریک و وکیل سپرده گذاران از آنها به بهترین وجه ممکن استفاده نماید. هر آنچه که بر آن ایراد وارد است مسلمانی ما است والا اسلام اشکالی ندارد.

در بسیاری از موارد می توان در اجرای صحیح قانون و آئین نامه های مربوطه تردید نمود و در آن انحراف مشاهده کرد. معلولها ما را به علتها سوق می دهند. پایه های نظری بخشی از آنچه که در عمل اتفاق افتاده است در مقالات اقتصاددانان اهل تسنن آمده است و پایه های نظری بخش کوچکی از عملکرد بانکهای کشورمان در مقالات اینجانب (که بر اساس قانون مورد بحث و آئین نامه های مربوطه تحقیق شده و به رشته تحریر درآمده اند) آمده است.

اینجانب معتقد هستم که برای نجات قسمت اعظم مشکلات اقتصادیمان باید به اجرای صحیح و مو به موی قانون و آئین نامه های اولیه رو آوریم و با نظارت و کنترلی دقیق و نمونه گیری علمی انحرافات احتمالی را به حداقل ممکن برسانیم. نفس مشارکت خود وسیله ای است بسیار مناسب برای ایجاد انضباط مالی و اقتصادی برای استفاده کنندگان از تسهیلات بانکی و سهم کردن سپرده گذاران در سود واقعی عقود و دریافت مالیات حقه از اشخاص حقیقی و حقوقی و در نتیجه کاهش کسر بودجه و ایجاد عدالت اقتصادی در توزیع درآمدها و افزایش تولید و اشتغال کسب درآمد در جامعه اسلامی هدف نمی تواند باشد بلکه کلیه امکانات کشور باید در خدمت ایجاد کار و تولید و سازندگی قرار گیرد. اگر بخش خدمات و بازرگانی بعد از افزایش تولید و ایجاد اشتغال به حرکت درآید مورد قبول است نه برعکس که دارای آثار تولیدی قابل اغماض می باشد.

شاید تصور شود که نمی توان بعد از ۱۲ سال و اندی انحرافات جزئی و کلی در اجرای قانون در صدد اصلاح آنها برآمد ولی چنین نیست زیرا می توان منطقه ای خاص از کشور را که افراد آن اعتقادات مذهبی قوی تری نسبت به سایر مناطق داشته باشند و نسبت به اصول عقاید پای بندی بیشتری داشته باشند و از نظر رفتار اقتصادی - اجتماعی با تعقل بیشتر عمل می نمایند به عنوان نمونه (PILOT) انتخاب کرد و کلیه ظرائف قانون و آئین نامه های مربوطه را در آنجا با تمام قوا و پس از ایجاد جو مناسب پیاده نمود. اگر نتایج حاصل سودمند بود به سایر نقاط و در نهایت به کلیه کشور تسری داده شود و اگر مشکلات جزئی قانونی یا مقرراتی یا محیطی وجود دارد اشکالات برطرف شده و به صورت خالص مورد بهره برداری قرار گیرد. بدیهی است تا قبل از انجام این آزمایش هرگونه پیشنهادی در خصوص تغییر مواد قانون و یا آئین نامه های مربوطه غیرمنطقی و مردود است. جمهوری اسلامی ایران پرچمدار نهضت اسلامی در دنیا است. این دوران دوران جنگ با اسلحه نیست. صدور انقلاب در

شرائط موجود دنیا با استفاده از این روش امری بسیار مشکل و غیرعقلانی است. دین عزیز ما به ما یاد داده است که با منطق با مردم سایر کشورها حرف زده و بحث کنیم. صدور انقلاب از راه‌های مختلفی امکان دارد ولی مطمئن‌ترین آنها رسوخ به نقاط ضعف معتنابه سیستم سرمایه‌داری و جایگزین کردن نظام بانکی غیرربوبی به جای نظام بانکی ربوبی است. در انجام این کار حمایت همه جانبه مسئولان رده‌های بالای کشورمان و تخصیص بودجه‌های قابل توجه برای تفحص و پژوهش و برگزاری سمینارهای داخلی و بین‌المللی با کیفیتی در خور نام اسلام و حتی دعوت از اقتصاددانان غربی و مواجهه دادن ایشان با برهان قاطع اسلام ضرورتی است اجتناب‌ناپذیر. به امید آن روزی که با ارائه و صدور بانکداری غیرربوبی صحیح (در تئوری و عمل) و رفتاری اسلامی پایه‌های سیستم سرمایه‌داری درهم ریخته شود.

والسلام

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - برای اطلاع از این آثار یعنی تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها - اشتغال کامل - توزیع عادلانه درآمد - رشد اقتصادی قابل ملاحظه و... به مقاله توتونچیان: «مقایسه عملکرد بانکداری سرمایه‌داری با بانکداری اسلامی...» مراجعه نمایند. ضمناً لازم به یادآوری است که سازمان و تشکیلات و واحدهای نظارتی نظام بانکی نیز باید متناسب با مواد قانون تنظیم می‌شد که متأسفانه اقدامات قابل توجهی در این موارد صورت نگرفته است. به عنوان مثال: ۱ - هنوز در شرح وظایف برخی از کارکنان نظام بانکی از واژه «بهره» استفاده می‌شود. ۲ - هنوز دایره «اعتبارات» در بانکها وجود دارد که پیشنهاد می‌شود به دایره «اعطای تسهیلات» تغییر نام و ماهیت بدهد ۳ - اداره بازرسی بانکها از نظر شرح وظائف و حجم کار با آنچه که در قبل از تصویب و اجرای این قانون بوده است تغییر متناسب با وظائف محوله در آنها دیده نمی‌شود و ۴ - سیاست «تأمین مالی» در ظاهر و در ماهیت جایگزین سیاست «پولی» گردد.
- ۲ - به منظور آگاهی بیشتر، خوانندگان می‌توانند به فهرست منابع و مأخذ مراجعه نمایند.
- ۳ - منظور از واسطه و جوه بودن بانک این است که بانک از یک طرف سپرده سپرده‌گذاران را به عنوان قرض (وام) از آنها دریافت کرده و از طرف دیگر به متقاضیان وام می‌دهد. این عمل در بانکداری ربوبی (سرمایه‌داری) صورت می‌گیرد (توضیح آنکه ابزار سه‌گانه سیاست پولی یعنی عملیات بازار باز برای تاثیرگذاری روی نرخ بهره - تغییر نرخ سپرده قانونی و بالاخره تغییر در نرخ تنزیل مجدد آنها در شرائط تورمی این کشور کاربرد نسبتاً خوبی دارد ولی به تجربه ثابت شده است که این ابزار در شرائط رکودی مؤثر نیستند) در حالیکه در بانکداری اسلامی که جلوه بسیار دقیق آن در قانون مذکور در متن مقاله آمده است بانکها شریک و یا وکیل سپرده‌گذاران بوده و شریک متقاضیان تسهیلات بانکی هستند و نه واسطه و جوه و چون سرمایه تأمین می‌کنند یک مؤسسه مالی هستند و سیاست آنها سیاست تأمین مالی است. ضمناً به موجب این قانون بانک نمی‌تواند به هیچکس (جز در مورد قرض الحسنه) وام یا اعتبار بدهد زیرا آنچه این موارد به ذهن متبادر می‌کند وام و اعتبار ربوبی است و بنابراین است که در مورد بانکداری اسلامی از اصطلاح سیاست تأمین مالی استفاده شده است.

در اینجا ضرورت دارد که مجدداً به تعریف سرمایه پرداخته و سپس تأمین سرمایه و تشکیل سرمایه را در برخی از عقود مندرج در این قانون یادآور شویم. بر اساس آنچه نویسنده این مقاله پیشنهاد نموده است در اقتصاد اسلامی پول سرمایه بالقوه نامگذاری شده که به محض ترکیب حقوقی با یکی از عوامل تولید به سرمایه واقعی تبدیل می‌شود و از این رو است که می‌توان از نظر فقهی سهمی از سود برای آن در نظر گرفت (بهترین مثال عقد مضاربه است - در سایر عقود مطلب روشن‌تر است). در عقد مضاربه بانک سرمایه تأمین می‌کند ولی به حجم موجود سرمایه کشور افزوده نمی‌شود ولی در ارزش کالاها افزایش حاصل می‌شود در عقود مانند مشارکت حقوقی - مشارکت مدنی و فروش اقساطی به حجم سرمایه افزوده می‌شود در عقد جعالة یا به حجم سرمایه اضافه می‌شود یا در ارزش دارائیها افزایش حاصل می‌شود مانند تعمیر مسکن. برای توضیح بیشتر در خصوص حقوقی بودن مفاهیم پول و سرمایه به مقاله توتونچیان: «پول در اقتصاد اسلامی» مراجعه شود.

۴ - برای توضیح بیشتر به مقاله اخیرالذکر در بالا مراجعه نمایید. لازم به یادآوری است که مبدا تصور شود که با تبدیل شدن بانک اسلامی از یک مؤسسه پولی به یک مؤسسه مالی به صورت سهامداران عمده کشور در خواهند آمد و چون به موجب قانون اساسی کشورمان بانکها در مالکیت دولت هستند سرمایه‌داری دولتی به وجود خواهد آمد بلکه این بانکها پس از تأمین مالی برای مؤسساتی که قبلاً وجود داشته‌اند و یا تاسیس می‌شوند به محض اطمینان از اینکه می‌توانند روی پای خود بایستند می‌بایستی سهام خود را در بازار اوراق بهادار به بخش خصوصی واگذار کرده و در صدد تأمین مالی برای متقاضیان جدید مشارکت باشند و این کار به طور مستمر صورت گیرد و حتی با نظارت و کنترل مالی و حسابداری اطمینان حاصل شود که بانکها از این روش عدول نکرده‌اند.

۵ - برای نحوه کاربرد آن در شرایط ریسک به مقاله توتونچیان: «تحلیل مقایسه‌ای سرمایه‌گذاری...» مراجعه نمایید.

۶ - به صفحه ۳۱ مقاله (۱۹۸۷) DR.MOHSIN S.KHAN مراجعه شود.

۷ - به اعتقاد اینجانب با مدیریت کارآمد اقتصادی در کشور می‌توان ثابت کرد که در یک جامعه اسلامی در چارچوب ضوابط خاص آن (یعنی عدم پرداخت بهره به افراد - صرفه‌جویی - پس‌انداز - انفاق - عدم میراث‌خواری نسلهای آینده - کار در حد توان - مصرف در حد متعارف و پرهیز از اسراف و...) تورم به وجود نخواهد آمد. برای آشنائی با نحوه تأثیر این عوامل در اقتصاد کشور به مقاله توتونچیان: «مقایسه عملکرد بانکداری ربوی با بانکداری اسلامی...» مراجعه شود.

۸ - به مقاله توتونچیان: «مقایسه عملکرد بانکداری ربوی و بانکداری اسلامی...» مراجعه شود.

۹ - عده‌ای به اشتباه تعدد عقود را جزو پیچیدگیها و مشکلات این قانون می‌دانند در حالیکه از این طریق می‌توان جوابگوی بهتری برای نیازهای متفاوت اشخاص حقیقی و حقوقی بود. ضمناً اگر بانکها تخصصی شوند و هر بانک تجاری در یک یا دو عقد تخصص پیدا کند گذشته از رفع مشکل ظاهری از رقابتهای ناسالم آنها نیز خواهد کاست. مضافاً اینکه می‌توان تصور کرد که شعب ممتاز - درجه ۱ تا ۵ بانکها همگی به یک نسبت از تمام عقود استفاده نمی‌کنند. بدیهی است که در شعب ممتاز و درجه ۱ از تمام عقود استفاده شود و به منظور جلوگیری از هرگونه ابهام می‌توان کارشناسان بانکی را در یک یا حداکثر دو عقد به عنوان متخصص تربیت نمود. واضح است که رئیس یک شعبه ممتاز باید احاطه کامل به تمام عقود داشته باشد.

۱۰- نویسنده این مقاله از ابتدای تشکیل جلسات مربوط به انشاء و تدوین قانون عملیات بانکی بدون ربا که در وزارت امور اقتصادی و دارائی در حوزه معاونت امور بانکی آن وزارتخانه تشکیل گردید به عنوان اقتصاددان و از بهمن ۱۳۶۱ تا تصویب قانون در شهریورماه ۱۳۶۲ به عنوان معاون امور اقتصادی و بین‌المللی که وزارتخانه مزبور شرکت داشته است. بحث در خصوص تاریخ و مدت تشکیل جلسات و طی مراحل مختلف از شورای پول و اعتبار - شورای عالی بانکها - هیأت دولت و پس از تصویب کلیات لایحه مزبور و طرح و بحث آن در کمیسیون ویژه نظام بانکی مجلس شورای اسلامی از حوصله این مقاله خارج است. امید است که مدارک مشته این جلسات به عنوان یک سند تاریخی افتخارآمیز هرچه زودتر در اختیار ملت شریف مسلمان ایران قرار گیرد. نویسنده این مقاله در تمام مراحل فوق جز طرح آن در هیأت دولت حضور مؤثر داشته است.

۱۱- بارها در سمینارها شنیده شده است و در برخی مقالات نوشته‌اند که چون چهارده عقد در قانون پیش‌بینی شده است تعدد عقود از اشکالات بانکداری اسلامی است. اولاً باید گفت تعدد عقود مندرج در قانون نه تنها نقطه ضعف قانون نیست که امتیاز آن بوده و موجب غنای قانون شده است زیرا به این وسیله بهتر می‌توان به کلیه نیازهای اشخاص حقیقی یا حقوقی پاسخ داد. ثانیاً ۱۴ عقد تماماً مورد استفاده نیستند. زیرا شورای محترم نگهبان به عقد خرید دین ایراد وارد کرده و مانده آن قرار بود که به صفر برسد. عقد قرض الحسنه که مکانیزم بانکی خاص بر آن مرتب نیست و صرفاً وام بدون بهره است. مضافاً اینکه بانکها فاقد مزرعه و باغ هستند بنابراین از عقود مزارعه و مساقات استفاده‌ای نشده است بنابراین فقط ده عقد وجود دارد. ثالثاً مشکل را این افراد به صورتی عنوان می‌کنند گوئی که هر فردی که در بانک کار می‌کند باید کلیه مواد قانون و آئین‌نامه‌های مربوط به عقود ۱۴ گانه را به طور کامل و احسن بدانند. در حالیکه می‌دانیم بانکهای کشورمان به درجات ممتاز - درجه ۱ تا ۵ تقسیم‌بندی شده‌اند. بدیهی است که بانک درجه ۵ بانکی است (شعبه‌ای است و یا باجه‌ای است) که فقط قرض الحسنه و احتمالاً جعاله در آن در حد کمی کاربرد دارد ولی در شعبه ممتاز یک بانک می‌توان به دلیل تعدد مشتریان و حجم معاملات کارشناسان عقود را در یک یا در دو عقد خاص به عنوان متخصص تربیت کرد و برای هر عقد یا هر دو عقد یا هر سه عقد ۲ یا ۳ یا ۴ نفر بسته به میزان معاملات و تعداد آنها متخصص عقود به کار گذاشت. واضح است که فقط رئیس چنین شعبه‌ای باید به عقود ده گانه مسلط باشد و ارتقاء کارکنان بانکی در این زمینه‌ها بر اساس تخصص و سابقه تجربی آنها صورت گیرد. ضمناً بانکهای کشور را نیز می‌توان به صورت تخصصی اداره کرد به عنوان مثال یک یا دو بانک فقط به امر مضاربه پردازند. یک بانک فقط به کار مشارکت حقوقی - دو بانک به امر فروش اقساطی و... پردازند. با انجام این دو پیشنهاد اولاً کارها به سرعت و دقت بیشتری پیش خواهد رفت و ضمناً کنترل و نظارت دقیق‌تری می‌تواند اعمال شود زیرا تمام اطلاعات مربوط به یک عقد یا یک منطقه یک کشور در یک سیستم کامپیوتری و در بانک اطلاعاتی ذخیره و مورد استفاده قرار گیرد. شاید از نظر اقتصادی - اجتماعی بهتر باشد بجای مخارج چند میلیاردی که برای کامپیوتری کردن نظام بانکی خرج می‌شود که مثلاً افراد با استفاده از کامپیوتر شخصی خود در منزل از مانده حساب خود در فلان بانک مطلع شوند اینگونه اطلاعات در بانکها ذخیره شود و در اختیار افراد ذریبط قرار گیرد.

به دلایل فوق است که اینجانب معتقد هستم بانکداری اسلامی (بدون ربا) نوعی از بانکداری است که در آن آموزش - تخصص - نظارت و کنترل در حد اعلاء خود مورد استفاده قرار می‌گیرد برعکس بانکداری ربوی که کاری یکنواخت (ROUTINE) بوده و نیازی به آموزش - تخصص و نظارت و کنترل قابل توجهی

ندارد زیرا بانکها به صورت واسطه و جوه درآمده و با اخذ وثیقه اطمینان حاصل می‌کنند که اصل و فرع وام اعطائیشان به موقع دریافت خواهد شد. در اینجا نکته‌ای وجود دارد و آن اینکه به درستی گفته می‌شود که هزینه اجرای صحیح بانکداری اسلامی بخصوص هزینه نظارت و کنترل آن در مقایسه با بانکداری ربوی بسیار بالا است و حتی گفته شده است که در اقتصاد هیچ فایده‌ای مجانی و رایگان به دست نمی‌آید. به عبارت دیگر آیا این هزینه‌های گزاف منافی دارد که پرداخت آنها را توجیه نماید؟ در جواب باید گفته شود که مهمترین منفعت حاصل از اجرای این نوع بانکداری کنترل تورم است. از منافع و مزایای دیگر این نوع بانکداری ایجاد اشتغال کامل - توزیع عادلانه درآمد و کاهش قیمت تمام شده کالاهای ساخته شده می‌باشد. (به مقالات اینجانب در اسفند ۶۹ - شهریور ۱۳۷۱ و شهریور ۱۳۷۳ مراجعه نمایند). آیا این منافع هزینه‌های نظارت و کنترل بانکداری اسلامی را نمی‌توانند توجیه کنند؟ از آنجا که بانکداری ربوی بر اساس وثیقه‌های مادی به عنوان پشتوانه وام‌های دریافتی تنظیم شده است در خدمت افراد غنی جامعه است در حالیکه بانکداری اسلامی در خدمت طبقات متوسط و کم درآمد است که مسلمانان قابل احترامی هستند که امضاء و قول ایشان ارزشی به اندازه گرانباترین وثائق مادی دارد.

رابعاً از جمله مشکلات دیگری که برای اجرای قانون بعضاً ذکر می‌شود این است که هزینه تنظیم عقود بسیار بالا است مثلاً ذکر شده است که هزینه ثبت شرکت پتروشیمی بالغ بر ۹۰ میلیارد ریال بوده است. پاسخ این است که اولاً همانطور که ذکر شد چون اسناد این عقود لازم‌الاجرا می‌باشند نیازی به ثبت کردن آنها نیست ثانیاً (گذشته از اینکه ایراد وارد نیست) این مشکل را طوری مطرح می‌کنند گویی که ماهیت عقود چنین است در حالیکه مطلقاً مربوط به قانون عملیات بانکی بدون ربا نیست بلکه مشکل ثبت اسناد است که می‌توان در ماده واحده‌ای یا در تبصره‌ای از تبصره‌های بودجه کل کشور این هزینه‌ها را کاهش داد و حتی حذف نمود. چگونه است که (بدون وارد شدن به اینکه ذکر مثالی که خواهد آمد از نظر اقتصادی و از جهت ملاحظه عدالت اجتماعی صحیح است یا نه) برای ساختن بزرگراه در محیط‌های بسته و باارزشی نازل برخی از منازل و مغازه‌های افراد جامعه (البته با پرداخت بهای آنها) تخریب می‌شود و یا تونل زده می‌شود و یا پل روگذر ساخته می‌شود؟ اگر در این کار منطق وجود دارد با استفاده از همین منطق اشکال صوری فوق را نیز می‌توان برطرف کرد.

۱۲ - عده‌ای معدود ولی هدایت شده از کانالی مشخص انتقاد می‌کنند که چطور می‌توان از سپرده‌های مردم برای پروژه‌های بخش دولتی استفاده کرد؟ جواب این است که این افراد به وظیفه بانک اسلامی کاملاً اعتقاد ندارند که باید بانک اسلامی به همراه سایر ارگانهای مملکت در خدمت عموم و مصالح ایشان باشد. از ایشان باید سؤال کرد چطور است که در این کشور همین افراد گرانباترین موجودات یعنی فرزندان خود را حاضر هستند در اختیار ارگانهای دولتی قرار داده و آموزش‌های ابتدائی - راهنمایی و متوسطه و دانشگاهی دیکته شده از طرف دولت را پذیرا هستند (ولو اینکه رشته تحصیلی آنها طوری انتخاب شود که اصولاً وارد خدمات دولتی نشوند) ولی پول ایشان (سپرده‌های بانکی) نباید در اختیار پروژه‌های دولتی قرار گیرد؟ اصالت با کدام است؟ انسان یا مال؟ اینکه شهید صدر گفته است که در اقتصاد اسلامی انسان مخدوم و ابزار تولید خادم هستند چه مفهومی دارد؟ آیا این افراد توجه دارند از چه نوع نظام بانکی دفاع می‌کنند؟ این تفکر مربوط به بانکداری ربوی است که پول (سپرده) مردم صرف امور خصوصی ایشان می‌شود و این بانک زانده و زالویی است که از پیکر اقتصاد جامعه در تمام شرائط ارتزاق کرده و مصالح عمومی برای آن مهم نیست. آنچه اهمیت دارد رباهای متراکم و انباشته شده است که در برخی از جوامع مجموع بهره‌های پرداختی توسط

مردم پیش از سود حاصل از تولیدات است؟! به عنوان مثال به جدول زیر توجه نمایید:
همانطور که از این جدول نیز برمی آید زالو بودن بانکداری ربوی در سال ۱۹۸۲ در امریکا مشهود است.
به این معنا که علیرغم کاهش سود در این سال بهره خالص سیر صعودی داشته است.

سود - بهره خالص و درآمد ملی آمریکا (میلیارد دلار)

سال	۱۹۸۰	۱۹۸۱	۱۹۸۲	۱۹۸۳
موضوع				
۱ - سود	۱۹۱/۷	۲۰۳/۳	۱۶۵/۹	۱۹۵/۵
۲ - بهره خالص	۱۹۲/۶	۲۴۹/۹	۲۶۱/۱	۲۴۷/۲
۳ - درآمد ملی	۲۱۱۶/۶	۲۳۷۳	۲۴۵۰/۴	۲۶۴۶/۹

مأخذ: گزارش اقتصادی رئیس جمهوری امریکا (۱۹۸۴)

فهرست منابع و مأخذ:

الف - منابع فارسی:

- ۱ - توتونچیان - ایرج: «مقایسه ای اجمالی بین هزینه فرصت سرمایه در سیستم های ربوی و غیرربوی» مجله تحقیقات اقتصادی - دانشگاه تهران - شماره ۴۰ پائیز ۱۳۶۷ صفحات ۲۷ - ۱.
- ۲ - _____: «پول در اقتصاد اسلامی» - مجله اقتصاد و مدیریت - دانشگاه آزاد اسلامی - شماره ۲ تابستان ۱۳۶۸ صفحات ۹۶ - ۶۲.
- ۳ - _____: «جنبه های نظری پول و بانکداری اسلامی» ارائه شده به اولین سمینار بانکداری اسلامی - شهریور ۱۳۶۹ - مؤسسه بانکداری ایران - بانک مرکزی.
- ۴ - _____: «تحلیل مکانیزم سهم سود در بانکداری اسلامی» ارائه شده به اولین سمینار سیاست های پولی و ارزی - اسفندماه ۱۳۶۹ - مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی - بانک مرکزی.
- ۵ - _____: «بحثی پیرامون حجم پول و انبساط سرمایه در اقتصاد اسلامی» ارائه شده به دومین سمینار بانکداری اسلامی - شهریور ماه ۱۳۷۰ - مؤسسه بانکداری ایران - بانک مرکزی.
- ۶ - _____: «سرمایه گذاری در بانکداری اسلامی» ارائه شده به دومین سمینار سیاست های پولی و ارزی - اردیبهشت ماه ۱۳۷۱ - مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی - بانک مرکزی.
- ۷ - _____: «نقش بانکداری اسلامی در توزیع درآمد» ارائه شده به سومین سمینار بانکداری اسلامی - شهریور ماه ۱۳۷۱ - مؤسسه بانکداری ایران - بانک مرکزی.
- ۸ - _____: «تحلیل مقایسه ای حد بهینه سرمایه گذاری در دو نظام بانکداری سرمایه داری و اسلامی در شرائط اطمینان و ریسک» - مجله اقتصاد و مدیریت شماره ۱۴ پائیز ۱۳۷۱ صفحات ۵۵ - ۱۹ و شماره ۱۵ - پائیز ۱۳۷۱ صفحات ۳۸ - ۵.
- ۹ - _____: «یک مدل پویای کلان اسلامی: شبیه سازی» - ارائه شده به سومین سمینار سیاست های پولی و ارزی - اردیبهشت ماه ۱۳۷۲ - مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی - بانک مرکزی.
- ۱۰ - _____: «مقایسه سرعت گردش پول در دو سیستم سرمایه داری و اسلامی» ارائه شده

- به چهارمین سمینار بانکداری اسلامی - شهریور ماه ۱۳۷۲ - مؤسسه بانکداری ایران - بانک مرکزی.
- ۱۱ - «هماهنگی بین سیاست تأمین مالی و سیاست مالی در اقتصاد اسلامی: تجربه ایران» - ارائه شده به چهارمین سمینار سیاستهای پولی و ارزی - اردیبهشت ماه ۱۳۷۳ - مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی - بانک مرکزی.
- ۱۲ - «مقایسه عملکرد بانکداری سرمایه‌داری با بانکداری اسلامی در یک اقتصاد یک بحثی از دیدگاه توسعه اقتصادی» - ارائه شده به پنجمین سمینار بانکداری اسلامی - شهریور ماه ۱۳۷۳ - مؤسسه بانکداری ایران - بانک مرکزی.
- ۱۳ - «پیشنهادی در خصوص افزایش سودآوری بانکها در عقد مشارکت» - ارائه شده به پنجمین سمینار سیاستهای پولی و ارزی - اردیبهشت ماه ۱۳۷۴ - مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی - بانک مرکزی.

ب - منابع انگلیسی:

- 1 - ACKLEY, G.: *MACROECONOMIC THEORY*; MACMILLAN, NEW YORK (1961).
- 2 - ARIFF, MOHAMED; "MONETARY POLICY IN AN INTEREST FREE ISLAMIC ECONOMY: NATURE AND SCOPE"; IN: *MONETARY AND FISCAL ECONOMICS OF ISLAM*; EDITED BY MOHAMMAD ARIFF; INTERNATIONAL CENTRE FOR RESEARCH IN ISLAMIC ECONOMICS; JEDDAH (1982); PP. 287 - 302.
- 3 - ARIFF, MOHAMMAD (ED): *MONETARY AND FISCAL ECONOMICS OF ISLAM*; INTERNATIONAL CENTRE FOR RESEARCH IN ISLAMIC ECONOMICS; JEDDAH (1982).
- 4 - CHAPRA, UMER, M.: *TOWARDS A JUST MONETARY POLICY; THE ISLAMIC FOUNDATION*; U.K. (1985).
- 5 - CHAPRA, UMER, M.; "MONEY AND BANKING IN AN ISLAMIC ECONOMY"; IN: *MONETARY AND FISCAL ECONOMICS OF ISLAM*; EDITED BY M. ARIFF; INTERNATIONAL CENTRE FOR RESEARCH IN ISLAMIC ECONOMICS; JEDDAH (1982); PP. 145 - 178.
- 6 - FRIEDMAN, M.: "THE MONETARY THEORY AND POLICY OF HENRY SIMON"; PUBLISHED IN: M. FRIEDMAN'S: *THE OPTIMUM QUANTITY OF MONEY AND OTHER ESSAYS*; ADINE, CHICAGO (1969).
- 7 - GOWLAND, D.: *MONEY, INFLATION AND UNEMPLOYMENT (THE ROLE OF MONEY IN THE ECONOMY)*; SECOND DEITION; HARVESTER WHEATSHEAF; LONDON (1991).
- 8 - UL - HAQUE, N. & MIRAKOR, A.: "OPTIMAL PROFIT - SHARING CONTRACTS AND INVESTMENT IN AN INTEREST - FREE ISLAMIC ECONOMY"; IN: *THEORETICAL STUDIES IN ISLAMIC BANKING AND FINANCE* BY: M. S. KHAN AND A. MIRAKHOR (EDS); THE INSTITUTE FOR RESEARCH AND ISLAMIC STUDIES, TEXAS (1987); PP. 141 - 161.
- 9 - AL - JARHI, M. A.: "A MONETARY AND FINANCIAL STRUCTURE FOR AN INTEREST -

FREE ECONOMY"; PUBLISHED IN ZIAUDDIN AHMED ET AL.,ED.:MONEY AND BANKING IN ISLAM;INSTITUTE FOR POLICY STUDIES;ISLAMABAD (1983).

10 - KAHF,M.:THE ISLAMIC ECONOMY;MUSLIM STUDENT ASSOCIATION OF THE UNITED STATES AND CANADA;PLAINFIELD,INDIANA (1978).

11 - KHAH, MOHSIN S.AMIRAKHOR,A.: "THE FINANCIAL SYSTEM AND MONETARY POLICY IN AN ISLAMIC ECONOMY" JOURNAL OF (KING ABDULAZIZ UNIVERSITY) ISLAMIC ECONOMICS, VOL.1,1989; PP.39 - 57.

12 - KHAN, M.S.: "ISLAMIC INTEREST.FREE BANKING:A THEORETICAL ANALYSIS";IN:MOHSIN S.KHAN AND ABBAS MIRAKHOR (EDS.):THEORETICAL STUDIES IN ISLAMIC BANKING AND FINANCE;THE INSTITUT FOR RESEARCH AND ISLAMIC STUDIES;TEXAS (1987);PP.15 - 35.

13 - KHAN, SHAHRUKH R.: "AN ECONOMIC ANALYSIS OF A PLS MODEL FOR THE FINANCIAL SECTOR";IN:THEORETICAL STUDIES IN ISLAMIC BANKING AND FINANCE BY:M.S.KHAN AND A.MIRAKHOR (EDS.); THE INSTITUTE FOR RESEARCH AND ISLAMIC STUDIES;TEXAS (1987); PP.107 - 125.

14 - MOHSIN,M.: "A PROFILE OF RIBA - FREE BANKING;; IN:M.ARIFF (ED.): MONETARY AND FISCAL ECONOMICS OF ISLAM;INTERNATIONAL CENTRE FOR RESEARCH IN ISLAMIC ECONOMICS;JEDDAH (1982); PP.187 - 208.

15 - MOHSIN,MOHAMMAD: "A PROFILE OF RIBA - FREE BANKING"; IN:MOHAMMAD ARIFF (ED.);1982;PP.187 - 208

16 - SIDDIQUI,S.A.AND FARDMANESH,M.: "SAVING AND INVESTMENT UNDER MUDARABAH FINANCE": REVIEW OF ISLAMIC ECONOMICS;VOL.2;NO.1 (1992);PP.31 - 51.

17 - UNITED STATES GOVERNMENT;ECONOMIC REPORT OF THE PRESIDENT;UNITED STATES GOVERNMENT PRINTING OFFICE; WASHINGTON; U.S.A. (1984).